

پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوبه‌ها شیخ خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

عقاید؛ شناخت ایمان و کفر؛ ادیان، مذاهب و فرقه‌ها

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: مجتبی شیردل

تاریخ: ۱۴۰۱/۸/۱۱

درباره‌ی زرتشت و کتاب او اوستا، دیدگاه‌های ضد و نقیضی وجود دارد. از آنجا که در قرآن به این شخص اشاره‌ای نشده است، می‌خواستم بدانم که آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در احادیث خود اشاره‌ای به او داشته است؟ آیا او یکی از پیامبران الهی بوده و کتاب او اوستا کتابی آسمانی است؟

پاسخ

تاریخ: ۱۴۰۱/۹/۵

خداوند در کتاب خود از زرتشتیان با عنوان «مجوس» یاد کرده و آنان را در ردیف اهل کتاب و متمایز از مشرکان دانسته و فرموده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾؛ «هرآینه کسانی که ایمان آوردند و کسانی که یهودی هستند و صابئان و مسیحیان و زرتشتیان و کسانی که مشرک هستند، خداوند در روز قیامت میانشان جدایی می‌اندازد، هرآینه خداوند بر هر چیزی گواه است». مستفاد از این آیه آن است که زرتشتیان از جمله‌ی اهل کتاب هستند، نه از جمله‌ی مشرکان؛ چرا که خداوند آنان را در دسته‌ی اهل کتاب نام برده و تصریح فرموده است که در روز قیامت میان آنان و مشرکان جدایی می‌اندازد و این ظاهر در آن است که آنان از اهل کتاب محسوب می‌شوند. مؤید این نکته آن است که بنا بر روایات فراوان، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از آنان مانند یهودیان و مسیحیان «جزیه» می‌گرفت، در حالی که خداوند گرفتن جزیه را تنها از اهل کتاب تشریع کرده و فرموده است: ﴿قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ

وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ»؛ «با کسانی از اهل کتاب که به خداوند (یکتا) و روز قیامت ایمان نمی آورند و چیزی که خداوند و پیامبرش حرام دانسته اند را حرام نمی دانند و به دین حق نمی گروند بجنگید تا آن گاه که با دست خود جزیه بپردازند در حالی که زیردست هستند» و روشن است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر خلاف کتاب خداوند عمل نمی کرد و از این رو، گرفتن جزیه از زرتشتیان توسط او دلیلی قاطع بر آن است که آنان اهل کتاب بوده اند؛ چنانکه در روایتی آمده است: «سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْمَجُوسِ، أَكَانَ لَهُمْ نَبِيٌّ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، أَمَا بَلَغَكَ كِتَابُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِلَى أَهْلِ مَكَّةَ أَنْ أَسْلِمُوا، وَإِلَّا نَأْبِذُكُمْ بِحَرْبٍ؟ فَكَتَبُوا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنْ خُذْ مِنَّا الْجِزْيَةَ وَدَعْنَا عَلَى عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ، فَكَتَبَ إِلَيْهِمُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنِّي لَسْتُ أَخُذُ الْجِزْيَةَ إِلَّا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ، فَكَتَبُوا إِلَيْهِ يُرِيدُونَ بِذَلِكَ تَكْذِيبَهُ: زَعَمْتَ أَنَّكَ لَا تَأْخُذُ الْجِزْيَةَ إِلَّا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ، ثُمَّ أَخَذْتَ الْجِزْيَةَ مِنْ مَجُوسٍ هَجَرَا فَكَتَبَ إِلَيْهِمُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنَّ الْمَجُوسَ كَانَ لَهُمْ نَبِيٌّ فَقَتَلُوهُ، وَكِتَابَ أَخْرَفُوهُ، أَتَاهُمْ نَبِيُّهُمْ بِكِتَابِهِمْ فِي اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفَ جِلْدٍ ثَوْرٍ»؛ «از امام جعفر صادق علیه السلام درباره ی زرتشتیان سؤال شد که آیا پیامبری داشتند؟ پس فرمود: آری، آیا نامه ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به اهل مکه را ننشیده ای که فرمود: اسلام بیاورید، وگرنه با شما اعلام جنگ می کنم؟ پس برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نوشتند که از ما جزیه بگیر و بگذار بت های مان را بپرستیم! پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برایشان نوشت: من جز از اهل کتاب جزیه نمی گیرم، پس برای او در ردّ سخنش نوشتند: ادّعا کردی که جز از اهل کتاب جزیه نمی گیری، در حالی که از زرتشتیان هجر^۲ جزیه می گیری! پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برایشان نوشت: زرتشتیان پیامبری داشتند که او را کشتند و کتابی داشتند که آن را سوزاندند؛ پیامبرشان کتابشان را در دوازده هزار پوست گاو برایشان آورد»؛ همچنانکه در روایت دیگری از امام جعفر صادق علیه السلام آمده است: «بَعَثَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَالِدَ بْنَ الْوَلِيدِ إِلَى الْبَحْرَيْنِ، فَأَصَابَ بِهَا دِمَاءَ قَوْمٍ مِنَ الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسِ، فَكَتَبَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنِّي أَصَبْتُ دِمَاءَ قَوْمٍ مِنَ الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى، فَوَدَيْتُهُمْ ثَمَانِمِائَةً ثَمَانِمِائَةً، وَأَصَبْتُ دِمَاءَ قَوْمٍ مِنَ الْمَجُوسِ، وَلَمْ تَكُنْ عَهْدَتْ إِلَيَّ فِيهِمْ عَهْدًا، فَكَتَبَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ دِيَّتَهُمْ مِثْلُ دِيَةِ الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى، وَقَالَ: إِنَّهُمْ أَهْلُ كِتَابٍ»؛ «پیامبر علیه السلام خالد بن ولید را به بحرین فرستاد، پس او در آنجا شماری از یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان را کشت، پس برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نوشت: من شماری از یهودیان و مسیحیان را کشتم،

۱. التوبة / ۲۹

۲. الکافی للکلینی، ج ۳، ص ۵۶۷؛ تهذیب الأحکام للطوسی، ج ۴، ص ۱۱۳، ج ۶، ص ۱۵۸

۳. منطلقه ای در بحرین

۴. من لا یحضره الفقیه لابن بابویه، ج ۴، ص ۱۲۱؛ تهذیب الأحکام للطوسی، ج ۱۰، ص ۱۸۶

پس برای هر یک از آنان هشتصد درهم دیه پرداختم و شماری از زرتشتیان را نیز کشتم، ولی تو درباره‌ی آنان به من چیزی نفرموده‌ای، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای او نوشت: دیه‌ی آنان مانند دیه‌ی یهودیان و مسیحیان است و فرمود: آنان اهل کتاب هستند». بر همین اساس، در روایت مشهوری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمده است که درباره‌ی آنان فرمود: «سُئِلُوا بِهَمِّ سُنَّةِ أَهْلِ الْكِتَابِ»^۱؛ «آنان را به منزله‌ی اهل کتاب قرار دهید». هر چند برخی عالمان، این روایت را دلیلی بر آن پنداشته‌اند که آنان از اهل کتاب نیستند؛ چراکه اگر از اهل کتاب بودند، نمی‌فرمود که آنان را به منزله‌ی اهل کتاب قرار دهید^۲، ولی این پندار عجیب و نادرستی است؛ چراکه اگر آنان از اهل کتاب نبودند، قرار دادن آنان به منزله‌ی اهل کتاب وجهی نداشت و حتی ناعادلانه بود. بنابراین، تعبیر آن حضرت به اینکه آنان را به منزله‌ی اهل کتاب قرار دهید با لحاظ این واقعیت بوده که چیز چندانی از کتاب آنان باقی نمانده است؛ همچنانکه خداوند آنان را در انتهای فهرست اهل کتاب جای داده است و این می‌تواند به سبب آن باشد که نسبت به سایر اهل کتاب از اصالت کمتری برخوردارند و به نسیان و انحراف بیشتری دچار شده‌اند؛ چنانکه در روایت مشهوری از امام علی علیه السلام آمده است: «إِنَّ الْمَجُوسَ كَانُوا أَهْلَ كِتَابٍ يَعْرِفُونَهُ وَعَلِمٌ يَذُرُّ سُونَهُ، ثُمَّ أُسْرِيَ عَلَى مَا فِي قُلُوبِهِمْ وَعَلَى كُتُبِهِمْ، فَلَمْ يَصْحَ عِنْدَهُمْ شَيْءٌ»^۳؛ «زرتشتیان کتابی داشتند که می‌شناختند و علمی داشتند که فرا می‌گرفتند، سپس کتاب‌ها و چیزی که در دل داشتند از میان رفت، پس چیز معتبری نزدشان باقی نماند» و در روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام آمده است: «الْمَجُوسُ أَهْلُ كِتَابٍ، إِلَّا أَنَّهُ أُتْدِرَسَ أَمْرُهُمْ»^۴؛ «زرتشتیان اهل کتاب هستند، جز اینکه آیین‌شان مندرس شد». این روایات اهل بیت، از اعتبار فراوانی برخوردارند؛ چراکه نه تنها با کتاب خداوند و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، بلکه با اسناد تاریخی نیز سازگاری دارند؛ با توجه به اینکه بنا بر اسناد تاریخی، دین زرتشتی پس از یورش اسکندر مقدونی (د. ۳۳۳ پ.م) و کشته شدن موبدان، منابع معتبر خود را از دست داد؛ چراکه بیشتر این منابع تا آن زمان از طریق موبدان و به شکل شفاهی و سینه به سینه انتقال می‌یافت. از این رو، با کشته شدن آن‌ها، بیشتر منابع معتبر این دین از بین رفت. به علاوه، گفته می‌شود که اسکندر مقدونی پس از آتش زدن کاخ پادشاه ایران، اوستای قدیم را نیز سوزاند. از این رو، چیزی که امروز با عنوان «اوستا» شناخته می‌شود،

۱. موطأ مالك (روایة یحیی)، ج ۱، ص ۲۷۸؛ الخراج لأبي يوسف، ص ۱۴۳؛ مسند الشافعی، ص ۲۰۹؛ مصنف عبد الرزاق، ج ۶، ص ۶۸؛ الأموال للقاسم بن سلام، ص ۴۰؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۲، ص ۴۳۵؛ الأموال لابن زنجويه، ج ۱، ص ۱۳۶؛ تاریخ المدینة لابن شبة، ج ۳، ص ۸۵۳؛ مسند عبد الرحمن بن عوف للبرتي، ص ۷۸؛ مسند البزار، ج ۳، ص ۲۶۴؛ مسند أبي يعلى، ج ۲، ص ۱۶۸؛ المعجم الكبير للطبراني، ج ۱۹، ص ۴۳۷؛ من لا يحضره الفقيه لابن بابويه، ج ۳، ص ۴۷؛ أمالي الطوسي، ص ۳۶۵.

۲. بنگرید به: أحكام القرآن للجصاص، ج ۲، ص ۴۱۲.

۳. الخراج لأبي يوسف، ص ۱۴۳؛ مسند الشافعی، ص ۱۷۰؛ مصنف عبد الرزاق، ج ۶، ص ۷۰؛ الأموال لابن زنجويه، ج ۱، ص ۱۴۸؛ شرح مشکل الآثار للطحاوي، ج ۵، ص ۲۵۹؛ التوحيد لابن بابويه، ص ۳۰۶؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۹، ص ۳۱۷.

۴. دعائم الإسلام لابن حَيَّون، ج ۱، ص ۲۸۰.



مسلماناً از آن زرتشت نیست؛ چنانکه بخشی از آن با عنوان سروده‌های «یشت» متعلق به دوره‌ی هخامنشی (۶۴۸ تا ۳۳۰ پیش از میلاد) دانسته شده و اعتقاد بر این است که بخش «وندیداد» نیز دیرتر و در زمان پارت‌ها (۱۴۱ پیش از میلاد تا ۲۲۴ میلادی) سروده شده و «ویسپرد» که تازه‌ترین بخش اوستا محسوب می‌شود نیز به زبان پارسی میانه نوشته شده و متعلق به دوره‌ی ساسانی (۲۲۶ تا ۶۵۱ میلادی) است. بخش‌های دیگر نیز به مرور زمان اضافه شده، تا اینکه در سده‌های پنجم و ششم هجری به شکل کنونی درآمده است. بنابراین، می‌توان گفت که عملاً چیزی از کتاب زرتشتیان باقی نمانده است و از این رو، نمی‌توان آنان را هم‌وزن با یهودیان و مسیحیان دانست که دست کم بخش‌های مهمی از تورات و انجیل را حفظ کرده‌اند؛ خصوصاً با توجه به اینکه آنان، بر خلاف یهودیان و مسیحیان، هیچ معرفتی نسبت به سایر پیامبران ندارند و این جهل عظیم و عجیبی است که بر فاصله‌ی آنان از یهودیان و مسیحیان می‌افزاید. بیهوده نیست که احکام اسلام در رابطه با آنان، غالباً سخت‌گیرانه‌تر از احکامش در رابطه با یهودیان و مسیحیان بوده است.

حاصل آنکه زرتشتیان در حکم اهل کتاب هستند؛ چراکه در اصل، پیامبر و کتابی داشته‌اند، ولی تقریباً چیزی از کتابشان باقی نمانده و آموزه‌های پیامبرشان جز اندکی به فراموشی سپرده شده است.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر معصوم‌ها شاهی خراسانی
چشم‌انداز حکمت‌آمیز و روشنگرانه



www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر معصوم‌ها شاهی خراسانی حفظ الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.